

ضرورت رشد قطب سوسیالیستی

گفتگوی جهان امروز با صلاح مازوجی

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

جهان امروز: ضرورت رشد قطب چپ و سوسیالیستی در بطن اوضاع متحول سیاسی ایران یکی از موضوعات مهمی بوده است که در چند سال اخیر به کرات روی آن بحث شده است و حزب کمونیست ایران در همین رابطه در جمع نیروهای چپ و کمونیست حضور پیدا کرد، اولین سؤال ما این است که حزب بر اساس چه تحلیلی از اوضاع سیاسی دست به چنین اقدامی زد و آیا اکنون مبرمیت ها و ضرورت‌های گذشته کماکان به قوت خود باقی است؟ با توجه به تشدید فضای خفقان که حتی فعالیت را برای جریان‌های لیبرالی نیز دشوارتر کرده است، چه جامعه در چه وضعیت بسر می‌برد؟

صلاح مازوجی: واقعیت این بود که نقطه عزیمت ما برای حضور در جمع نیروهای کمونیست و چپ و تلاش برای ایجاد همگرایی در بین این نیروها ناشی از تحلیلی بود که از اوضاع سیاسی ایران داشتیم. ما اگر چه بر خلاف بعضی از نیروهای دیگر با توجه به ارزیابی که از موقعیت جنبش کارگری داشتیم، فقدان تشکل یابی توده ای و نبود صف مستقل طبقه کارگر در صحنه سیاسی ایران، جامعه را در آستانه یک اعتلای انقلابی نمی‌دیدیم. اما این واقعیت عینی را مشاهده می‌کردیم که سیر متحول اوضاع در ایران دو جبهه متضاد را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار داده که هرکدام از این جبهه ها آلترناتیو و راه حل های خود را برای حل بحران موجود در جامعه ارائه می دادند.

می دانیم که در یک جبهه، بورژوازی ایران و نمایندگان سیاسی آنها قرار گرفته بودند که تحت شعار جامعه مدنی و حکومت قانون و غیره در تلاش بودند تا خود را از شر زوائد دست و پاگیر حکومت اسلامی رها سازند و رژیم سیاسی در ایران را به گونه ای تغییر دهند که طبقه سرمایه دار را در ایران مستقیم تر و بلاواسطه تر در قدرت سیاسی دخیل سازد و مهمتر از این خطر یک انقلاب اجتماعی را از سر بورژوازی ایران دور کند. این جبهه ارتجاعی از دوم خردادی ها و اصلاح طلبان درون حکومتی تا طیف وسیعی از اپوزیسیون بورژوازی ایران که بعدها در ائتلاف جمهوری خواهان گرد آمدند را در بر می گرفت.

در آن مقطع همه شواهد نشانگر این واقعیت بود که از امپریالیسم آمریکا گرفته تا دیگر قدرت‌های غربی و شاخه های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران همگی می خواستند که با اتکا به اصلاح طلبان درون حکومتی رژیم جمهوری اسلامی را در جهت پاسخگویی کامل به نیاز بورژوازی ایران و منطبق کردن آن با منافع استراتژیک امپریالیستی در منطقه خاورمیانه اصلاح کنند و از همین طریق می‌خواستند زیر پای انقلاب ایران را خالی کنند.

در مقابل این جبهه بورژوایی یک جبهه سیاسی و طبقاتی دیگری وجود داشت که این جبهه در مبارزه روزانه طبقه کارگر ایران برای دستیابی به مطالباتش، در جنبش زنان برای رسیدن به خواستهایش، در جنبش انقلابی کردستان و در اعتراضات توده‌های مردم ستم‌دیده ایران خود را نشان می داد. در این جبهه طیف وسیعی از نیروهای اپوزیسیون چپ و سوسیالیست قرار داشتند که مبارزه

قراردادهای موقت کار و اخراج کارگران!

آمارهای رسمی حاکی از آن است که بیش از هفتاد درصد شاغلان بازار کار ایران، مجبور به انعقاد قرارداد موقت هستند. میلیون‌ها کارگر ماهر، تکنیسین و کارگران متخصص در رشته‌های گوناگون با این نوع قراردادها به طور دائمی نگران امنیت شغلی خود هستند.



حضور نظامی در کنگو به بهانه

برگزاری انتخابات جمهوری دموکراتیک

صفحه ۶

از سایت های حزب کمونیست ایران و کومهله دیدن کنید!



سایت تلویزیون کومهله

www.komala.tv



سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



سایت کومهله

www.komalah.org

صدای کومهله رادیوی ماهواره‌ای ۲۴ ساعته

بر روی فرکانس ۱۱۰۱۳ در مجموعه «هات برد» فرکانس و مکان پخش برنامه های صدای کومهله را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

صدای حزب کمونیست ایران

هر شب: ۲۰ - ۲۱

صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

صدای انقلاب ایران

صبح‌ها: ۷ - ۸ ظهرها: ۱۳ - ۱۴

عصرها: ۱۹ - ۲۰

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

ضرورت رشد قطب سوسیالیستی

⇒ علیه جمهوری اسلامی و سرمایه‌داری ایران را در دستور کار خود داشتند. اما واقعیت این بود که نیروهای درون این جبهه بسیار پراکنده تر و نامنسجم تر از نیروهای جبهه بورژوازی عمل می‌کردند و تا جایی هم به حرکت سوسیالیستی در درون این جبهه بر می‌گشت، اگر بورژوازی ایران از پشتیبانی جهانی قدرت‌های غربی برخوردار بود جبهه سوسیالیستی در سطح جهان در موقعیتی نبود و نیست که بتواند تاثیر مهمی بر توازن قوای طبقاتی در ایران به نفع طبقه کارگر بگذارد.

در دل چنین شرایطی ما فکر می‌کردیم اگر کمونیست‌ها هوشیارانه قدم در راه انجام وظایف تاریخی که بر عهده دارند نگذارند بیم آن می‌رود که جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی دیگر در ایران به نیروی ذخیره برای پیشبرد و اجرای پروژه‌های بورژوازی تبدیل شوند.

در واقع حزب کمونیست ایران با این ارزیابی که از روند اوضاع سیاسی ایران داشت تلاش در جهت ایجاد همگرایی، اتحاد عمل و همکاری نیروهای کمونیست و چپ جامعه بمنظور شکل دادن به یک قطب رادیکال در جامعه را وظیفه خود می‌دانست. حضور ما در جمع نیروهای کمونیست و چپ می‌خواست بخشا به همین منظور جواب دهد.

از نظر ما همه نیروهایی که هدف اعلام شده آنها مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، برقراری حکومت کارگری و جامعه سوسیالیستی بود می‌توانستند در این پروسه شرکت کنند.

در پاسخ به بخش آخر سوال شما باید بگویم، درست است که با شکست اصلاح طلبان حکومتی تغییراتی در آرایش سیاسی جبهه نیروهای بورژوازی، چه آنان که قانونی هستند و چه آنهایی که در صف اپوزیسیون قرار گرفته اند بوجود آمده است و از طرف دیگر تغییر و تحولات و رویدادهای چند سال اخیر در جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی این واقعیت را نشان داده است که

وجود دارد. اما ما فکر می‌کردیم و اکنون هم بر این باوریم که برای ایجاد همگرایی و اتحاد عمل و همکاری بین نیروهای سوسیالیست که بتواند قطب چپ جامعه را حول خود گرد آورد قبل از هر چیز یک هم‌نظری و درک واحد از تحلیل شرایط مبارزه طبقاتی و اوضاع سیاسی در ایران، ارزیابی موقعیت واقعی جنبش‌های اجتماعی از جنبش کارگری گرفته تا جنبش زنان، جنبش کردستان و جنبش دانشجویی و موقعیت گرایش سوسیالیستی در درون این جنبش‌ها و موانعی که سر راه این جنبش‌ها قرار گرفته است نیاز داریم تا بتوانیم بر مبنای این ارزیابی راه و مسیر پیشروی برای تحقق انقلاب کارگری و استراتژی سوسیالیستی را تدوین کنیم. البته ما در جمع نیروهای اتحاد انقلابی بهیچوجه دچار این خوشبینی نبودیم که می‌توانیم بر سر همه این مسائل با هم به توافق برسیم. اما اگر در این مسیر قرار می‌گرفتیم و همزمان در زمینه جلب حمایت از جنبش کارگری ایران و پشتیبانی از دیگر جنبش‌های انقلابی با هم همکاری می‌کردیم که این فعالیت‌ها می‌توانست بازتاب اجتماعی داشته باشد. حتی دسته بندی و قطب بندی نیروها حول پاسخی که به همین مسائل می‌دادند می‌توانست یک پیشرفت تاریخی بحساب آید.

اما بر خلاف دیدگاه و جهت‌گیری‌های ما بحث‌ها در درون «اتحاد انقلابی» حول ضرورت دادن یک پلاتفرم متمرکز شد. ما هم در نشست اول و هم در نشست دوم اعلام کردیم که پافشاری بر سر دادن یک پلاتفرم ممکن است این حرکت را به بن بست برساند. ما نه تنها تدوین پلاتفرم را برای ایجاد همگرایی مفید نمی‌دانستیم و بر این باور بودیم که پلاتفرم نمی‌تواند مبنایی برای اتحاد عمل سیاسی نیروها تبدیل شود بلکه حتی آن را نسبت به پیشروی‌های جنبش چپ رادیکال و انقلابی یک عقب‌گرد می‌دانستیم. تاریخ و روند تغییر و تحولات جنبش چپ ایران از بعد از انقلاب ۵۷ همین واقعیت را نشان می‌دهد.

انقلاب ۵۷ نه تنها تئوری مائوئیستی محاصره شهرها بوسیله روستا را بعنوان

مسیر پیشروی انقلابی و تئوری براه انداختن موتور بزرگ از طریق موتور کوچک را در ابعاد اجتماعی مورد نقد قرار داد، بلکه حضور طبقه کارگر در این انقلاب با اعتصاباتش و سپس با جنبش کنترل کارخانه و شوراهای کارگری به همه نیروهای چپ رادیکال ایران نشان داد که سوسیالیسم در ایران بدون اتکا به طبقه کارگر هیچ آینده‌ای نمی‌تواند داشته باشد و همین حضور طبقه کارگر در انقلاب ۵۷ و سال‌های بعد از آن در صحنه سیاسی جامعه ایران بود که زمینه‌های مادی تسلط مارکسیسم بر افکار پوپولیستی در جنبش چپ ایران را فراهم آورد. همین حضور طبقه کارگر در صحنه سیاسی جامعه بود که زمینه پیشروی مارکسیسم را فراهم آورد و کل ادبیات سیاسی نیروهای چپ رادیکال ایران را تحت تاثیر قرار داد. اگر امروز می‌بینیم که بر سر پایه ای‌ترین اصول اعتقادی در میان نیروهای چپ رادیکال اشتراک نظر وجود دارد و همه از حکومت کارگری و سوسیالیسم حرف می‌زنند و همه نیروی محرکه انقلاب را طبقه کارگر می‌دانند اینها همه حاصل حضور طبقه کارگر در انقلاب و بازتاب نظری آن در سطح جنبش چپ بود و البته همین اشتراک نظر بر سر مسائل پایه ای یک پیشروی تاریخی است برای طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی ایران و امروز همه باید از این پدیده خوشحال باشیم.

در آن مقطع یعنی سال‌های اول بعد از انقلاب بهمن ۵۷ تدوین یک برنامه یا پلاتفرم که این اعتقادات پایه ای را در خود فرموله کند و مطالبات طبقه کارگر ایران و مطالبات دمکراتیک دیگر جنبش‌های اجتماعی را بیان کند یک پیشروی برای جنبش چپ ایران بحساب می‌آمد.

این کار انجام گرفت، برنامه حزب کمونیست ایران بخشی از همین رسالت را بجا آورد. نیروهایی که به پروسه تشکیل حزب کمونیست ایران پیوستند با اعتبار اجتماعی و پیشتازی نظری که داشتند این پیشروی را تثبیت کردند.

اما اینجا اصلا بحث از ارزیابی حزب کمونیست ایران نیست، فقط خواستم این را بگویم که ⇐

چپ ایران بیش از دو دهه است که دوره همگرایی حول برنامه و پلاتفرم را پشت سر گذاشته است و گفتم که تاثیرات خود را نیز بجای گذاشته است، اگر به جامعه هم نگاه کنیم، به مراسم و آکسیون‌های اول ماه مه و قطعنامه‌هایشان توجه کنیم می بینیم که فعالین و پیشروان کارگری چنان روشن خواستها و مطالبات کارگری را بیان می کنند که می تواند مبنای یک قانون کار انقلابی باشد.

برنامه و پلاتفرم آن جایگاه گذشته را در ایجاد همگرایی و اتحاد عمل از دست داده است. چپ رادیکال ایران باید از حال و هوای سال‌های اول بعد از انقلاب بیرون بیاید. اکنون بیشتر نیروهای سیاسی چپ ایران برنامه و پلاتفرم مدون دارند و اگر مقایسه کنیم همه این برنامه ها از پلاتفرم «اتحاد انقلابی» منسجم تر و جامع تر هستند، برنامه رفقای اتحاد فدائیان کمونیست، برنامه حزب کمونیست ایران علیرغم کمبودی هم که داشته باشند، از پلاتفرم «اتحاد انقلابی» جامع تر و منسجم ترند. بنابراین اگر برنامه حزب کمونیست ایران، اتحاد فدائیان کمونیست و یا برنامه نیروهای دیگری که خارج از این اتحاد بوده اند تاکنون نتوانسته اند به محوری برای شکل دادن به قطب نیرومند چپ در جامعه تبدیل شوند، روشن است که بطریق اولی پلاتفرم «اتحاد انقلابی» نمی توانست این رسالت را بجا آورد.

بنابراین تمرکز بحث ها حول پلاتفرم علیرغم هر انگیزه خیری که نیروهای شرکت کننده در این اتحاد داشتند، نه تنها نتوانست گره‌ای از مشکلات را باز کند، بلکه عملاً توجه جمع را از پرداختن به معضلات و موانع اصلی سر راه جنبش کارگری و حرکت سوسیالیستی به انحراف کشاند.

ما به جای پلاتفرم مشترک به یک ارزیابی واحد از شرایط مبارزه طبقاتی و اوضاع سیاسی و موقعیت جنبش‌های اجتماعی نیاز داشتیم چون گرایش سوسیالیستی در درون این جنبش‌ها تنها با سد سرکوب و خفقان جمهوری اسلامی روبرو نیست، بلکه با یک گرایش اجتماعی لیبرال که در قالب سندیکالیسم و رفرمیسم در جنبش کارگری خود را نشان می دهد و در

جنبش زنان، جنبش کردستان و جنبش دانشجویی هم با آلترناتیو خود به میدان آمده است روبرو هستیم. گرایش سوسیالیستی نه تنها در مبارزه با جمهوری اسلامی بلکه در مبارزه با لیبرالیسم هم می باید برتری آلترناتیو و راه حل های خودش را برای پیشروی این جنبش‌ها نشان دهد و با پیشروی در این مسیر به تامین شرایط ذهنی تحقق انقلاب کارگری و سوسیالیسم کمک کند.

امروز در ایران بدون مبارزه با استراتژی سیاسی لیبرالیسم نمیتوان با گرایش رفرمیستی در درون جنبش طبقه کارگر مبارزه کرد، امروز بخشی از فعالین جنبش کارگری برای تعقیب خواستهای خود و برای ایجاد تشکل های توده‌ای کارگری راه حل های رفرمیستی را پذیرفته اند. اگر قبول داریم که پیشروی به سوی انقلاب کارگری و سوسیالیسم بدون به میدان آوردن طبقه کارگر ممکن نیست و به میدان آوردن طبقه کارگر در گرو ایجاد تشکل های توده‌ای و طبقاتی کارگران است پس سوسیالیست ها برای شناختن و رفع این موانع باید دست به دست هم دهند.

در جنبش زنان گرایش سوسیالیستی بدون نشان دادن بی پایگی استراتژی لیبرالها، بدون نشان دادن تناقض پلاتفرم لیبرالها با برنامه اقتصادی و استراتژی سیاسی که دارند نمی‌توان صحبت از پیشروی کرد. امروز بسیاری از مطالبات زنان در زمینه کوتاه کردن دست ارگان‌های مذهبی از زندگی زنان، تامین برابری زنان و مردان در زمینه حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که در برنامه همه نیروهای «اتحاد انقلابی» هم آمده را لیبرالها نیز تکرار می کنند. لیبرالها می‌خواهند با طرح همین مطالبات اما با استراتژی سیاسی و اقتصادی نتولیرالی زیر پای سوسیالیست‌ها را خالی کنند ما باید نشان دهیم تحقق مطالبات زنان بدون تعرض به سرمایه و سرمایه‌داری امکان ندارد، نشان دهیم که مطالبات زنان و پلاتفرمی که لیبرالها ارائه داده اند با استراتژی لیبرالی قابل تحقق نیست.

در مورد جنبش کردستان اگر تنها از حق تعیین سرنوشت مردم کردستان و دفاع از مبارزه عادلانه آنها صحبت کنیم هنوز هیچی نگفته ایم. اکنون در جنبش کردستان ۳ استراتژی در مقابل هم قرار گرفته اند، یکی آلترناتیو جریانات ناسیونالیستی که بویژه از مقطع لشکرکشی آمریکا به عراق در آرزوی تکرار سناریوی مصیبت بار عراق در ایران لحظه شماری می‌کنند و می خواهند به افکار عمومی چنین القا کنند که اهداف و مطالبات جنبش کردستان از طریق تطبیق دادن سیاست‌های آنها با استراتژی آمریکا در منطقه تحقق می یابد. دومی استراتژی لیبرالی که به انواع شیوه‌ها و با طرح چند خواست اداری و فرهنگی می‌خواهد زیر پای جنبش انقلابی در کردستان را خالی کند و آن را از محتوای انقلابی تهی نماید. و سومی استراتژی سوسیالیستی که می خواهد با اتکا به نیروی جنبش کارگری، جنبش زنان و مبارزات مردم ستمدیده کردستان و در همبستگی با جنبش انقلابی سراسری جنبش کردستان را به پیروزی برساند.

جنبش سوسیالیستی در ایران باید وارد این کشمکش ها شود و مقابله با استراتژی ناسیونالیستی و لیبرالی در جنبش کردستان را در جهت تقویت موقعیت آلترناتیو سوسیالیستی وظیفه خود بداند. باید نشان داد با تغییر شیفت که جنبش کردستان پیدا کرده بورژوازی کردستان و نیروهای سیاسی آن بلحاظ تاریخی و عملی رسالت خود را برای به پیروزی رساندن جنبش کردستان از دست داده اند.

ما فکر می‌کردیم اگر بر این مبنا حرکت می‌کردیم هر درجه هم نظری در تحلیل اوضاع سیاسی ایران و شرایط مبارزه طبقاتی، تحلیل موقعیت جنبش‌های اجتماعی و موانعی که سر راه پیشروی این جنبش ها قرار گرفته است، می‌توانست بر کل فعالیت «اتحاد انقلابی» و بر سرنوشت این جریان تاثیر بگذارد.

را پیدا نکرده است، اعلام پایان این حرکت در شکل «اتحاد انقلابی» تردید و یاس را در میان جریانات چپ دامن نمی زند؟

صلاح مازوجی: طبعاً ناکامی هر حرکتی تاثیرات منفی خود را به جا می گذارد اما از آنجا شکل‌گیری این جریان با روند حرکتی که در پیش گرفت علیرغم شور و شوق اولیه ای که بوجود آورد، انعکاس اجتماعی چندانی پیدا نکرد در نتیجه دامنه تاثیرات پایان این حرکت هم محدود خواهد بود. تحرکات جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی در دو سال اخیر شور و شوق زیادی را در میان نیروها و فعالین سوسیالیست بوجود آورده و تلاش برای تاثیرگذاری بر این روندها در جریان است. «اتحاد انقلابی» هم تجربه ای بود در ادامه تلاش‌های گذشته، اگر تلاش دیگری از این نوع صورت بگیرد حتماً باید از تجربه «اتحاد انقلابی» درس بگیرد.

جهان امروز: برنامه شما برای کمک به خودیابی و ابراز وجود فعال‌تر و موثرتر جریانات و نیروهای چپ و کمونیست در آینده چیست؟

صلاح مازوجی: جهت گیری های ما روشن است، شرایط مبارزه طبقاتی و وظایف سخت و دشوار و متنوعی که مبارزه برای تحقق یک انقلاب کارگری و سوسیالیستی در دستور کار ما کمونیست ها قرار داده، تلاش برای انسجام بخشیدن به صف نیروهای سوسیالیست کارگری را به یکی از اولویت های مهم فعالیت ما تبدیل کرده است. در همین راستا باید بر مبنای ارزیابی که از روند اوضاع سیاسی در ایران داریم به سهم خود سعی کنیم اجزای مختلف استراتژی سیاسی حرکت سوسیالیستی را روشن‌تر بیان کنیم. بیانیه سیاسی کنگره ۸ حزب و قطعنامه‌های آن، قطعنامه های کنگره ۱۰ کومهله و مطالبی که رفقای مختلف در راستای همین جهت‌گیری ها نوشته اند تلاش‌هایی بوده‌اند در همین زمینه، اما اینها هنوز کافی نیست بویژه در

بهرام رحمانی

قراردادهای موقت کار و اخراج کارگران!

قانون کار جمهوری اسلامی، در هر بند خود نه منافع کارگران، بلکه منافع سرمایه‌داران را مد نظر دارد. برای مثال کارفرمایان از قانون قرارداد کوتاه مدت استفاده می‌کنند و کارگر را به کار بردگی وادار می‌نمایند. قراردادهای ۸۹ روزه که در آن کارگر بیمه و امنیت شغلی ندارد، سند قرارداد یا کپی آن هم در اختیار کارگر قرار داده نمی‌شود، امکان مراجعه مراجع قانونی را ندارد. بنابراین، قانون کار جمهوری اسلامی، قانون کار کارگران نیست.

در سال ۱۳۶۹، در شرایطی که به جز تشکیلات دولتی، همه تشکلهای کارگری با سرکوب پلیسی منحل شده بودند و فضای ویرانی‌های جنگ نیز بر جامعه حاکم بود قانون کار سر و

دم بریده‌ای سر همپندی شد که همه بخش‌های این قانون ضدکارگر است.

برای مثال، فصل سوم و در ماده چهل و یک این قانون شورای عالی کارموظ می‌شود همه ساله با رعایت



۲ بند میزان حداقل دستمزد کارگران را برای سال آینده تعیین کند. ۱- حداقل دستمزد با توجه به درصد تورمی که توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود. (هر سال نرخ تورم اعلام شده یا پیش‌بینی شده برای سال آینده توسط بانک مرکزی، همواره منافع سرمایه‌داران و حکومت را مدنظر دارد) ۲- حداقل دستمزد باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تامین کند. اما در حاکمیت جمهوری اسلامی، هنوز مشخصات و تعداد افراد یک خانواده کارگری تعیین نشده و میزان حداقل دستمزد تعیین شده با اتکا بر این قانون همه ساله به میزان بسیار نازلی افزایش می‌یابد که هیچ تناسبی با تورم واقعی در بازار ندارد. ←

اعتراض ندارد. یا این که کارفرمایان سفید امضا از کارگران می‌گیرند و هر چیزی لازم دیدند در آن وارد می‌کنند. به همین دلیل عدم پرداخت به موقع دستمزد کارگران، به یک نرم و سیاست عادی کارفرمایان در جامعه ایران تبدیل شده است. در چنین شرایطی کارگران ایران به دلیل فقدان تشکلهای سراسری خود، توان مقابله همه جانبه با کارفرمایان و سرمایه‌داران و رژیم حامی سرمایه را ندارند. اعتراضات و اعتصابات پراکنده و بدون همبستگی بخش‌های دیگر به ندرت به خواسته‌های خود می‌رسند. از سوی دیگر به دلیل این که جمهوری اسلامی خود کارفرمای بزرگ ایران است و از استثمار شدید کارگران کسب سود می‌کند، هیچ‌کدام از ارگان‌های ذیربطش به شکایات

کارگران رسیدگی نمی‌کنند. یعنی اگر در کشورهای پیشرفته صنعتی، مراجع دولتی موظف هستند به شکایات کارگران از کارفرمایان رسیدگی کنند؛ اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، هیچ مرجعی وجود ندارد که کارگران به آنجا مراجعه و حق و حقوق خود را به لحاظ قانونی نیز دنبال کنند. در چنین موقعیتی کارگران نمی‌توانند به طور پراکنده در مقابل کارفرمایان و دولت مقاومت کنند، بنابراین طبقه کارگر ایران، قبل از هر چیز به تشکل و همبستگی و اتحاد سراسری خود نیاز دارد تا با اتکا به نیروی طبقاتی خود نه تنها حق و حقوقش را با قدرت پیگیری کند، بلکه خود را به عنوان یک طبقه برای دست زدن به تحولات سرنوشت‌ساز تاریخی آماده و منسجم سازد.

امروز در ایران کمتر کسی پیدا می‌شود که به عنوان مزدبگیر از دستمزد خود راضی باشد و یا به آینده شغلی خود امیدوار. حتی کارگری که شغلی دارد باز هم مجبور است برای تامین زندگی خود و خانواده‌اش چند جا کار کند و به هر کاری تن بدهد. در چنین وضعیتی کلیه کارفرمایان و خود جمهوری اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین کارفرما با کارگران قراردادهای موقت کار (کار کوتاه مدت) می‌بندند تا کارگر را با دستمزد کمتر، بدون هیچ‌گونه مزایای دیگر به کار بگیرند و مهم‌تر از همه هر موقع دلشان خواست به کار او پایان دهند. بنابراین، کارگران ایران نه دستمزد مکفی و متناسب با تورم و گرانی واقعی دارند؛ نه امنیت شغلی و نه حق برخورداری از تشکل مستقل و تجمع و اعتصاب. از این رو مبارزه برای لغو قراردادهای موقت کار و استخدام دائمی، علاوه بر تشکلهای مبارزاتی یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مبارزاتی کارگران در این دوره است.

آمارهای رسمی حاکی از آن است که بیش از هفتاد درصد شاغلان بازار کار ایران، مجبور به انعقاد قرارداد موقت هستند. حتی پزشکان، استادان دانشگاه‌ها و مهندسان جوان و تازه کار نیز با حقوق بسیار کم تن به کارهای موقت شش ماهه و یا بیشتر می‌دهند. میلیون‌ها کارگر ماهر، تکنسین و کارگران متخصص در رشته‌های گوناگون با این نوع قراردادها به طور دائمی نگران امنیت شغلی خود هستند.

دختران و زنان و کودکان از طریق کارهای موقت، ماهی با دستمزدی ۳۰ الی ۵۰ هزار تومانی، در کارگاه‌های غیربهداشتی و زیرزمین‌ها و فروشگاه‌ها، با ساعات کار طولانی تا ۱۲ ساعت در روز کار می‌کنند. بسیاری از شرکتهای پیمان‌کاری در همان ابتدای به کارگر اعلام می‌کنند حقوق و دستمزد خود را حداقل با دو سه ماه تاخیر دریافت خواهد کرد و تعهد می‌گیرند که در این مورد حق

↪ رابطه با جنبش کارگری ما باید با احساس مسئولیت تمام در مباحثاتی که در میان فعالین جنبش کارگری بر سر مسائل مختلف و مهمترین آنها در مورد چگونگی ایجاد تشکلهای کارگری جریان دارد شرکت کنیم، از طرف دیگر با نیروهایی که پرداختن به رفع موانع انقلاب کارگری و سوسیالیستی را در دستور کار روز خود قرار داده اند بحث و دیالوگ فعال‌تری را پیش ببریم.



جهان امروز

نشریه سیاسی
حزب کمونیست ایران

سرمدبیر:
هلمت احمدیان

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال دارید.

ha@cpiran.org

— «جهان امروز» تنها مطالبی را که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد چاپ می‌کند.
— استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.
— مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.
— جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
— مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ۴ با سایز ۱۶ می‌باشد.

شماره حساب جهان امروز

S-E Banken F-S
53682990054

برای مثال سال ۱۳۸۳ در حالی که خود مراجع دولتی حداقل درآمد لازم برای زندگی در خط فقر را ۳۰۰ هزار تومان برآورده کرده بودند، دستمزد ماهانه کارگران را حدود ۱۲۶ هزار تومان تصویب کردند. فصل ششم که به تشکلهای کارگری و کارفرمایی اختصاص دارد ضدکارگریترین بخش قانون کار جمهوری اسلامی است. تبصره ۴ ماده ۱۳۱، تشکلهای کارگری را فقط محدود به یکی از سه نوعی می‌کند که کارگران عملاً در انتخاب یکی از این سه نوع نیز مجاز نیستند و اساسنامه انجمن صنفی و یا شورای اسلامی کار را هم که در این بند پیش‌بینی می‌شود خود کارگران نمی‌توانند تنظیم کنند، بلکه از قبل آنها آماده می‌گردد. بنابراین حتی کارگرانی که اعضای این تشکلهای دولتی هستند نیز حق ابراز وجود صنفی و اجتماعی ندارند. انجمن صنفی به عنوان تشکلی که براساس ماده ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی، تشکیل می‌شود و کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان یک حرفه یا صنعت می‌توانند به تشکیل انجمن صنفی مبادرت ورزند. در تبصره ۴ ماده ۱۳۱ قانون مذکور، تاکید شده است که کارگران هر یک از کارگاهها، فقط می‌توانند یکی از سه مورد، شورای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده کارگران را انتخاب کنند، به این مفهوم که در یک کارگاه، کارگران نمی‌توانند دو نوع از سه نوع تشکل مذکور را همزمان داشته باشند. از سوی دیگر با توجه به تعریف ماده قانون کار، افراد تنها به اعتبار شغل خود می‌توانند انجمن صنفی را تشکیل و به عضویت آن درآیند، اشخاص فاقد شغل با بیکار و دارندگان مشاغل آزاد نمی‌توانند تشکل خود را به وجود آورند. البته تشکلهایی که در قانون کار جمهوری اسلامی به آنها اشاره شده است همان ارگانهای سرکوب و پلیسی جمهوری اسلامی در درون طبقه است نه تشکل کارگران.

فصل نهم به مراجع حل اختلاف بین کارگر و کارفرما اختصاص دارد. در این فصل ترکیب هیاتهای تشخیص و حل اختلاف به گونه‌ای است که

نمایندگان واقعی کارگران در آن حضور ندارند. نماینده «کارگری» در این هیات از افراد کانون عالی یا هماهنگی شوراهاى اسلامی کار هستند و یا توسط آنها انتخاب می‌شوند.

فصل دهم قانون کار به شورای عالی کار، ترکیب افراد و وظایف این شورا می‌پردازد. سه نفر هیات نمایندگی کارگران عضو این شورا را افراد منتخب تشکل رسمی دولتی تشکیل می‌دهند. این شورا همه ساله دستمزدی را برای کارگران تصویب می‌کند که نه تنها از دستمزد واقعی بسیار فاصله دارد، بلکه همواره منافع

بر سرمایه و حکومت را در نظر می‌گیرد. براساس ماده ۷ قانون کار، قرارداد کار توافق کتبی یا شفاهی است که در یک چارچوب معین و شرایط خاصی بین کارگر و کارفرما منعقد می‌شود. این قرارداد در همه حال به ضرر کارگر تمام می‌شود.

ماده ۱۹۱ این قانون رسماً به همین شورای عالی کار اختیار می‌دهد کارگاههایی را که کمتر از ۱۰ کارگر دارند به صلاح دید خودشان از شمول تمام یا قسمتی از همین قانون کار خارج کند.

ابتدا در مجلس پنجم کارگران کارگاههای زیر ۵ نفر از قانون کار، بعد کارگران کارگاههای قالی‌بافی، پس کارگاههای زیر ۱۰ نفر و سرانجام کارگران قراردادی از شمول قانون کار خارج شدند. بنا به اقرار مراجع دولتی فقط در فروردین ماه ۱۳۸۵، بیش از هفت هزار کارگر از کار اخراج شده‌اند. رییس کمیسیون صنایع و معدن مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ به ایلنا، گفت: «۷ هزار نفر کارگر در طول فروردین ماه امسال شده است...»

طبق مصوبه شورای عالی کار،

کارفرمایان موظف به پرداخت دو نوع دستمزد به کارگران موقت و ثابت در یک حرفه شده‌اند، اما همین الزام کارفرمایان به پرداخت حقوق ۱۸۰ هزار تومانی مصوب شده به کارگران قراردادی که از میزان خط فقر اعلام شده توسط مسئولان بسیار پایین‌تر است، نه تنها اشتغال ثابت را منجر نشده، بلکه اخراج کارگران را به دنبال داشته است. اخراج صدها کارگر قراردادی استان گلستان، افزایش ۵ برابری میزان اخراجهای کارگران آذربایجان شرقی در یک ماهه اول سال، اخراج ۶۰۰ تا ۸۰۰ کارگر

قراردادی واحدهای صنعتی آذربایجان غربی، اخراج ۱۵ هزار کارگر قراردادی در پاکدشت، افزایش ۴ برابری میزان اخراج کارگران سمنانی، اخراج ۴۰ کارگر قراردادی از یکی از کارخانجات

همدان و تعدیل ۱۰۰ کارگر منطقه غرب تهران، اخراج عده‌ای از کارگران ایران خودرو به دلیل اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود، فقط بخشی از تعدیل و اخراج کارگران قراردادی در فاصله کوتاه آغاز سال جدید است. این اخراج‌ها به بهانه اعلام دو نرخ دستمزد برای کارگران قراردادی و ثابت شدت گرفته است. این در حالی است که برای مثال ۶۲۰ کارگر معدن سوسنگرد، ۱۶ ماه بدون حقوق مانده‌اند، کارگران واحد تولیدی آب معدنی «داماش» (آبه) ۴ تا ۵ ماه، ۳۰۰ کارگر معدن قلعه زری یک سال، هزار کارگر قزوینی، ۲ تا ۲۴ ماه و کارگران ۴ کارخانه نساجی، ۱۳ ماه حقوق نگرفته‌اند. در همین حال ۷۰ تا ۸۰ کارگران قراردادی واحد آب پاک همدان، ۵۰ تا ۸۰ هزار تومان حقوق می‌گیرند و بیش از ۵۰۰ کارگر شاغل در کارخانجات تولید مواد لبنیات شهرک «مینودشت» استان گلستان، کمتر از ۹۰ هزار تومان حقوق در ماه دریافت می‌کنند. موارد ذکر شده تنها بخشی از وضعیت حقوقی کارگران ایران است که برای تامین معاش خویش، مجبورند بیشتر



از ساعت مقرر شده کار کنند و بسیار کمتر از میزان تعیین شده دستمزد بگیرند. در چنین شرایطی کارگران قراردادی به دلیل این که کار خود را از دست ندهند، مجبور به سکوت و تن دادن به عملکردهای غیرانسانی کارفرمایان هستند. کارگران اخراج‌شده از هیچ بیمه و هیچ تامین اجتماعی برخوردار نیستند.

کارفرمایان بدون افزایش دستمزد سالیانه به طور مکرر قراردادهای موقت را تمدید می‌کنند و هر وقت که بخواهند این قرارداد را به طور یک طرفه فسخ می‌کنند.

براساس تحقیقات ده درصد فقیرترین افراد جامعه ایران تنها ۲ درصد درآمد یا مصرف کل کشور را به خود اختصاص می‌دهند. در مقابل، ۳۳/۷ درصد از درآمد و مصرف کل کشور، متعلق به ۱۰ درصد ثروتمندترین شهروندان ایرانی می‌باشد. بنابراین ده درصد ثروتمندترین افراد جامعه ایران ۱۷/۲ برابر ده درصد فقیرترین افراد جامعه، درآمد و مصرف دارند. این در حالی است که مثلاً در پاکستان با رتبه ۱۳۵ شاخص توسعه انسانی، ده درصد ثروتمندترین افراد ۷/۶ برابر ده درصد فقیرترین افراد، درآمد دارند.

طبق اقرار وزیر رفاه و تامین اجتماعی جمهوری اسلامی، بیش از ۱/۵ میلیون نفر در کشور در فقر و گرسنگی زندگی می‌کنند و هم اکنون ۷/۵ میلیون نفر از جمعیت ایران، زیر خط فقر مطلق قرار دارند، به گونه‌ای که توان تامین نیازهای اولیه شامل غذا و مسکن را ندارند. البته برخی مراجع رسمی، آمار جمعیت زیر خط فقر مطلق ایران را حدود ۱۱ میلیون نفر اعلام کرده‌اند. همچنین براساس یک بررسی آماری، در سالهای اخیر بازنشستگان، معلمان، کارگران، کارمندان و یا حتی پزشکان جوان، به دلیل بالا رفتن هزینه زندگی به محدوده فقرا نزدیک شده‌اند. فقط در هشت سال گذشته که افزایش قیمت‌ها ادامه داشته است، بیکاری ۱/۵ برابر شده و ۳۰ درصد از کل کارگران و کارمندان، ۵۰ درصد جمعیت روستایی و حداقل ۲۰ درصد جمعیت شهری به

زیر خط فقر رفته‌اند، به طوری که

قراردادهای موقت کار و اخراج کارگران!

⇒ که درآمدهایشان با هزینه‌های تعریف شده برای یک زندگی حداقل برابر نبوده است. یک استاد دانشگاه با اشاره به این که ۱۲/۸ میلیون نفر در ایران از سیر کردن سلولی شکم خود محروم هستند، می‌گوید: "در طول برنامه سوم توسعه به دلیل فقدان فعالیت‌های اقتصادی مناسب و در نتیجه ناکافی بودن منابع درآمدی، ۱۳۵ روستای محرومیت‌زدایی شده در برنامه‌های توسعه‌ای سال‌های گذشته، خالی از سکنه شده‌اند". (آمارها از مجله اقتصاد ایران، اردیبهشت ۱۳۸۵)

همچنین به دلیل دیدگاه تبعیض‌آمیز رژیم به استان‌های مختلف ایران، استان سیستان و بلوچستان از نظر تمام شاخص‌های توسعه انسانی، فقرزدایی، توانمندسازی بر حسب جنسیت و... در ردیف آخر قرار دارد. قبل از این استان، استان کهگیلویه و بویراحمد قرار گرفته است. اغلب امکانات کشور در سطح سه استان تهران، قم و اصفهان توزیع شده است. لذا به همین دلیل نابرابری‌ها و عدم رعایت عدالت در تخصیص امکانات در بین استان‌های کشور، تفاوت درآمدها و هزینه‌ها در نقاط مختلف بسیار زیاد است، به گونه‌ای که متوسط درآمد افراد در استان‌های خراسان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان تنها بین ۱۲۰ تا ۲۰۰ هزار تومان در سال است. (همان منبع)

بدین ترتیب تا زمانی که چنین قانون کاری موجود است؛ تا روزی که خود کارگران قانون کار را تدوین نکنند؛ تا روزی که قراردادهای موقت کار وجود دارند؛ تا روزی که کارگران صنایع بزرگ کشور مانند صنایع نفت، فولاد، خودرو سازی و... تشکیل مستقل رادیکال خود را به وجود نیاورند و از اعتصاب و اعتراض بخش‌های دیگر حمایت و پشتیبانی نکنند، افق جدیدی در بهبود شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کارگران گشوده نخواهد شد.

پروانه بکاه

حضور نظامی در کنگو به بهانه برگزاری انتخابات جمهوری دمکراتیک

اقتصادی خود تلاش می‌کنند یا فقط حس «بشر دوستی» اینان، آنان را به این کار وا داشته است؟ شورای امنیت سازمان ملل و بخش نظامی آن یعنی پیمان ناتو، با حضور نظامی خود در شهرهای بزرگ کنگو نتوانسته امنیت انتخابات را تاکنون تضمین کند، چرا ممکن است که امسال بتواند این امکان را فراهم آورد؟ انتخابات قرار بوده در سال ۲۰۰۵ صورت گیرد.

این طور به نظر می‌رسد که امسال هم انتخابات صورت نگیرد. چون یک ماه دیگر انتخابات است و برای انتقال سربازان و جا به جا شدن نیاز به وقت بیشتری است. اما این همه سرباز در این مدت احتمالی بیش از یک سال در کنگو بزرگ چه خواهند کرد؟

سربازان کشورهای عضو پیمان ناتو بخش اعظم‌شان در جنگ عراق و افغانستان مشغول بوده‌اند و بیش از ۵۰۰۰۰ سرباز در کوسوو، از سال ۲۰۰۵ که مسئله حمله نظامی به ایران مطرح شده، دولت آلمان مسئله کنگ را در حاشیه کلیه گفتگوهای خود با آمریکا بکار برده است. به همین دلیل در حال حاضر ارتش آمریکا در این حرکت سازمان امنیت فعال نیست، و این بخش از کار را به اروپای مشترک سپرده است.

بعد از انتخاب خانم مرکل، صدراعظم جدید آلمان، لایحه شرکت آلمان بصورت نظامی در کنگو دوباره در پارلمان مطرح شد و این لایحه با مخالفت‌ها و رضایت‌های «اصولی و غیراصولی» در پارلمان روبرو شد. در هر دو سفر خانم مرکل به آمریکا موضوع کنگو نیز از موارد مورد مذاکره بوده است.

زمانیکه طرح به پارلمان آلمان برای تصویب آمد، کمیسیونی برای بررسی این طرح تشکیل شد، اطلاعات نادرست و لاپوشانی کردن بسیاری از مسائل،

کشور بزرگ کنگو از سال ۱۹۶۰ بعد از درگیری‌های خونین و در اولین انتخابات خود از پادشاهی به جمهوری دمکراتیک تغییر شکل حکومت داد. اما هنوز در این کشور جنایت، قتل عام قبایل، کشتارهای دسته‌جمعی پایان نیافته است. فقط در سال گذشته بیش از ۱۷۰۰۰۰ نفر به سر به نیست شده‌اند.

در ماه جون ۲۰۰۶ قرار است انتخابات دولت جدید در این کشور صورت گیرد. شورای امنیت سازمان ملل برای برگزاری این انتخابات حضور نظامی خود را سامان می‌دهد و مسئولیت آرام نگه داشتن کشور و جمع‌آوری و پاکسازی را به عهده گرفته است.

در لشکر صلح شورای امنیت ۱۷۰۰ سرباز از ۱۸ کشور مختلف اروپایی شرکت می‌کنند. ۱۳۰۰ سرباز از آلمان و فرانسه، و بقیه ۴۰۰ نفر از دیگر کشورها هستند.

مخارج لشکرکشی ۷۸۰ سرباز آلمانی به کنگو را، کشور آلمان برای خود تا چندی پیش ۲۷ میلیون یورو برای مدت ۴ ماه (قبل و بعد از انتخابات) ارزیابی کرده بود، اما به تازگی اعلام کرده اند که فقط برای کشور آلمان بیش از ۵۶ میلیون یورو خرج خواهد داشت.

حضور نظامی شورای امنیت و کشورهای اتحادیه اروپا در کنگو به چه منظوری است؟

چرا آلمان و فرانسه بیشترین نظامیان را به آن کشور می‌فرستند؟ در صورتیکه کنگو تا قبل از سال ۱۹۶۰ جز مستعمرات بلژیک بوده است؟

بودجه این لشکرکشی را چه نهادی به عهده می‌گیرد؟

با وجود بیکاری و اقدامات صرفه‌جویی در اروپا، بویژه فرانسه و آلمان، چرا چنین مخارج هنگفتی را این دو کشور بعهده می‌گیرند؟

آیا این دو کشور به خاطر منافع

جمعیت ساکن کنگو بیش از ۵۶ میلیون نفر، وسعت مساحت کشور ۲۳۴۵۴۱۰ متر مربع، ساکنین کنگو بزرگ ۲۵۰ نوع قوم، تکلم به ۲۰۰ نوع زبان، ۴ زبان رسمی و زبان اداری، زبان فرانسه، مذاهب، کاتولیک ۵۰٪ پروتستان، ۱۰٪ کیمباگونیست، ۱۰٪ مسلمان و ۱۰٪ مذاهب سنتی و محلی دیگر.

امروز برای احزاب شرکت کننده در پارلمان آلمان بسیار سوال برانگیز شده است، اما همه این احزاب بر سر حضور نظامی با هم اختلافی ندارند. نماینده حزب لیبرال در کمیسیون امور خارجی می‌گوید، «سربازان آلمانی مردان آتش نشانی نیستند که آتش درست شده دیگران را خاموش کنند و فقط در همه جا ظاهر شوند و بعد بروند». و رئیس اتحادیه ارتش می‌گوید:

«من وحشت دارم که بتوان بعد از ۴ ماه سربازان آلمانی را از کین شاسا (پایتخت کنگو) بیرون آورد». «نمایندگان دولت ائتلافی احزاب دمکرات مسیحی و سوسیال دمکراسی اعلام کردند که کل لشکر تحت رهبری ژنرال آلمانی است و ما هیچ نگرانی نداریم و مطمئن هستیم در شرایطی که خطری بروز کند، سربازان ما همه گونه دوره‌های ویژه را پشت سر گذاشته‌اند».

مخارج حضور نظامیان آلمانی یعنی ۵۶ میلیون یورو را قرار است در بودجه پیش‌نهادی سال ۲۰۰۷ بگنجانند. سؤال این جاست که، اگر در سال ۲۰۰۶ به کنگو می‌روند، چگونه است که مخارج را سال آینده در لیست بودجه دولت قرار می‌دهند؟ آیا تصویب شود و یا نشود. وزیر دفاع آلمان می‌گوید: «پول را از - بودجه دفاعی کشور - برداشت خواهیم کرد». این حرکت دولت آلمان بر خلاف قوانین جاری در این کشور است. مثل اینکه می‌خواهند از منافع کشوری دفاع کنند! اما چرا این کلابرداری سیاسی را به نفع منافع اقتصادی خود انجام می‌دهند؟ آنهم در شرایطی که ۱۱ میلیون بیکار (طبق اظهارات نهاد تجمع کارفرمایان) و کار ساعتی ۱ یورو در آلمان و فقر (با ۳۰۰ هزار کودک گرسنه) در این کشور به بیش از ۱۲٪ رسیده است، بیداد می‌کند.



در ادامه اعتراضات توده‌های مردم آذربایجان مردم شهر نقده نیز به خیابانها سرازیر شده و دست به اعتراض زدند

عصر روز پنج شنبه مردم مبارز نقده نیز در اعتراض به توهین و تحقیر که با چاپ کاریکاتوری در یک نشریه دولتی شکل گرفت، برعلیه رژیم جمهوری اسلامی به پا خواستند. تعداد زیادی از مردم با تظاهرات و شعار دادن به فرمانداری و ادارات دولتی دیگر حمله ور شدند و شیشه‌های این ادارات را شکستند و به ماشین حامل فرماندار و معاون وی نیز حمله نمودند که در نتیجه این حملات هر دوی آنها نیز زخمی گردیدند.

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی نیز به مردم به جان آمده یورش برده و بر اثر شلیک آتش بر روی مردم چهار تن از آنان را کشته و ۲۰ تن دیگر را نیز زخمی نمودند. مردم مبارز نقده کشته‌ها و زخمی‌هایشان را به بیمارستان منتقل ساختند و در مقابل درب جلویی بیمارستان تجمع نمودند. اما نیروهای امنیتی و نظامی رژیم از درب پشتی وارد بیمارستان شده و کلیه زخمی‌ها را ربودند.

امروز نیز تا رسیدن این خبر مردم دکان و بازار را بستند و شهر را کاملا به حال تعطیل در آوردند و خواهان باز پس گرفتن زخمی‌ها شده‌اند. نیروهای ضد شورش رژیم در همه نقاط حساس شهر مستقر گردیده اند و شهر کاملا حالت میلیتاریزه دارد، ضمنا رژیم کلیه ارتباطات اینترنتی شهر را قطع نموده است.

لازم به ذکر است که مردم مناطق کردنشین شهر نیز از همشهریان آذری خود پشتیبانی نموده و شهر کاملا به حال تعطیل درآمده است. مردم اطلاعی‌ها و عکس کشته‌های این مبارزات را به در و دیوار شهر چسبانده و شهر در التهاب بسر میبرد و حالت غیر عادی دارد.

کومه‌له از مبارزات عادلانه مردم ستم‌دیده آذری بر علیه توهین و تحقیر و بی‌حقوقی که از جانب رژیم جمهوری اسلامی اعمال می‌شود، پشتیبانی می‌نماید و حمله جنایتکارانه جمهوری اسلامی به مردم آذری را شدیداً محکوم می‌نماید. از توده‌های مردم کردستان بویژه آنانکه با شهروندان آذری در یک منطقه زندگی می‌کنند می‌خواهیم که به یاری آنان بشتابند و همدوش با آنان به مبارزات خود بر علیه حکومت ضد مردمی جمهوری اسلامی ادامه دهند.

نماینده کومه‌له در خارج کشور ۲۶ می ۲۰۰۶

اخباری از جنبش دانشجویی در روزها اخیر

دو هزار نفر از دانشجویان کوی دانشگاه تهران در حال دفاع از خود در برابر حمله نیروهای نظامی هستند. در دانشگاه پلی تکنیک، دانشجویان با تجمع در برابر درب دفتر رهبری و معاونت دانشجویی دانشگاه خواستار استعفای هر دوی این افراد شدند.

در دانشگاه علامه طباطبایی دانشجویان معترض به بازداشت رامین جهانگلو و سرکوب مردم تبریز در دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه این دانشگاه تجمع کردند. تعدادی از دانشجویان خواجه نصیرالدین طوسی در اعتراض به کاریکاتور روزنامه ایران در این دانشگاه تجمع کردند. تعدادی از دانشجویان دانشگاه چمران اهواز نیز در اعتراض به عملکرد رییس دانشکده و مجموعه مدیریتی دانشگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

نیروهای لباس شخصی رژیم، از ساعت ۸ صبح شنبه ۶ خرداد ماه، در حالی که مسلح به سلاح سرد بودند، وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شدند. این نیروها که شمار آنان حدود ۲۰۰ نفر اعلام شده است با چسباندن عکس فعالان دانشجویی بر روی دیوارهای دانشکده به دنبال آنان می‌گردند و با سر دادن فریاد «این‌جا پادگان است»، قصد ایجاد فضای رعب و وحشت در میان دانشجویان را دارند. این نیروهای سرکوبگر، دو نفر از فعالان دانشجویی را مورد ضرب و شتم قرار دادند و آنان را زخمی کردند.

در ادامه اعتراضات دانشجویان دانشگاه تهران، سمنه ۲ خرداد ماه، نیروهای لباس شخصی با شکستن درب جنوبی دانشگاه، با هدف سرکوب دانشجویان معترض وارد دانشگاه شدند. دانشجویان در مقابل این یورش نیروهای انتظامی دست به مقاومت زدند. در جریان این حمله بیش از ۵۰ نفر دستگیر شدند و تعدادی نیز مجروح گردیدند. همچنین گفته شده است یکی از خوابگاه‌های دانشجویی که تبدیل به بیمارستان صحرایی شده است مملو از دانشجویان زخمی و مجروح است و حال برخی از آنها وخیم اعلام شده است. درگیری در کوی دانشگاه تهران تا ۴ صبح ادامه داشت. خواستهای دانشجویان بازگشت دانشجویان اخراجی، بازگشت اساتیدی که آنان را بازنشسته کرده‌اند و پایان دادن به نظامی کردن محیط داشگاه‌ها است.

یکی از وبلاگ‌ها درباره حمله نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به دانشجویان متحصن چنین نوشته است: «بعد از تریبون آزاد و راهپیمایی دیروز دانشجویان دانشگاه تهران و نیز خبر استعفای تحت فشار پنج تن از اساتید دانشکده حقوق و ورود گاردهای ضدشورش به فضای کوی دانشگاه از ساعت نه شب ناآرام شد. این درگیری‌ها هم‌اکنون در ساعت دوازده شب با ورود دانشجویان به خیابان امیرآباد کشیده شده است و تعداد زیادی از دانشجویان به دلیل مصدومیت با باتوم‌های برقی و گاز اشک‌آور زخمی شده‌اند. بیش از

منافع اقتصادی در کشورهای
 → قاره آفریقا همیشه مورد توجه کشورهای امپریالیستی بوده است. اما اخیراً بعثت مبارزات مردم در این کشورها، برای کسب اولیه‌ترین حقوق انسانی خود، در این قاره ثروتمند، مورد توجه بیشتری توسط اروپا و آمریکا قرار گرفته‌اند. آنجا بازاری است دست نخورده و آماده برای مصرف محصولات و سودآوری برای سرمایه‌داری در جهان.

منابع زیرزمینی کنگو بزرگ همیشه در اختیار آمریکا و اروپا قرار گرفته است، سال گذشته حتی با وجود پیدا شدن گورهای دسته‌جمعی در این کشور آمریکا در شمال و فرانسه در جنوب تحت حفاظت ارتش خود، مشغول خارج کردن استخراجات خود بودند. کنگو بزرگ دارای نفت، طلا، الماس و مقداری نیز اورانیوم است.

از اواسط دهه ۸۰ وضعیت اقتصادی کشور کنگو رو به افزایش گذاشته بود، اما رشوه خواری و رشد دلالی قراردادهای معاملات با کشورهای اروپایی و آمریکا، رانت‌خواری در این کشور، موجب فقر عمومی و گرسنگی شده است. تا جایی که اکنون تحت عنوان کشورهای "جهان سوم" قرار گرفته که نیاز به تغذیه برای اهالی کشور دارد.

ثروت کشورهای آفریقایی توسط همین کشورهای عضو اروپای مشترک و آمریکا، که داعیه بشردوستی و حمایت از انتخابات دموکراتیک را بر سینه دارند، غارت می‌شوند ولی در تبلیغات‌های مطبوعاتی خود در کشورهای اروپایی بویژه آلمان، نهادهایی را برای جمع‌آوری کمک مالی برای کودکان فقیر قاره سیاه بوجود آورده و می‌آورند و این کشورها را کشورهای فقیر که نیاز به کمک مالی دارند، معرفی می‌کنند.

از برخورد سازمان امنیت به کنگو می‌توان نتایج دیگری نیز گرفت، اما برداشت مهم این است که شورای امنیت سیاست دخالتگری خود در کشورهای دیگر را، تغییر داده است و حضور نظامی برای دفاع از منافع اقتصادی اعضای اصلی خود را ضروری و بلامنازع ارزیابی کرده‌اند، به همین دلیل با استدلال و راه‌کارهای دیگری به پیش می‌روند. این نوع برخورد در کنگو بعنوان نمونه‌ای برای دخالت در امور دیگر کشورها، مانند ایران، شاید نمونه‌ای قابل مصرف باشد.

اخباری از مبارزات کارگری در روزها اخیر



جنبش کارگری ایران، همچنان به مبارزه خود علیه سرمایه‌داران و رژیم حامی سرمایه برای دستیابی به مطالبات کارگران ادامه می‌دهد. برای مثال، در پی عدم دریافت بیش از ۸ ماه حقوق و مزایا، بیش از ۳۰۰ کارگر شرکت الکتریک ایران رشت، جاده منتهی به استانداری سابق را مسدود کردند.

با اعتصاب ۱۵۰ کارگر شرکت نیروگاه گازی «قلیان» سنجید در روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه و عملی نشدن وعده‌های کارفرمایان در خصوص پرداخت مطالبات معوقه آنان، کارگران این نیروگاه، بار دیگر به اعتصاب دست زدند. روز دوشنبه یک خرداد ماه، کارگران نیروگاه گازی قلیان بار دیگر اقدام به اعتصاب نمودند و تلاش کارفرمایان برای پایان دادن به اعتصاب آنان بدون نتیجه بود و کارگران تا روز یکشنبه به اعتصاب ادامه دادند. سرانجام کارفرمایان مجبور به پرداخت عیدی سال ۸۵ کارگران شدند و وعده پرداخت دیگر مطالبات کارگران را دادند. کارگران تهدید کرده‌اند در صورتی که حقوق ماه‌های اسفند و فروردین آنان هر چه زودتر پرداخت نشود روز پنجم خرداد ماه بار دیگر دست به اعتصاب خواهند زد. صدها کارگر اخراجی کارخانه ریسندگی «رحیم‌زاده» اصفهان، صبح روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه در مقابل استانداری اصفهان تجمع کرده و خواستار رسیدگی مسئولین رژیم به مشکلاتشان شدند. ۳۰۰ کارگر شرکت‌کننده در این تجمع اعتراضی که برای پنجاهمین بار در مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند.

شماری از کارگران شرکت قطعات فولاد ایران، روز دوشنبه یک خرداد ماه، برای چندمین بار در مقابل فرمانداری کرج تجمع کردند و خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه و دیگر مطالبات خود شدند.

بیش از ۷۰ نفر از کارگران شرکت «پتروشیمی» خراسان شمالی در اعتراض به عملکرد ضدکارگری مدیرعامل این شرکت در محل مجتمع پتروشیمی این استان اقدام به تجمع نمودند.

دستگیرشدگان اول ماه سفر در سال ۱۳۸۳، که مدتی قبل از اتهامات واهی شعبه یک دادگاه سقز تبرئه شدند، دوباره به دادگاه عمومی سقز احضار شده‌اند. جمهوری اسلامی، با مبارزه کارگران کردستان و سراسر ایران و سازمان‌ها و احزاب چپ و کمونیست اپوزیسیون و با همبستگی بین‌المللی با دستگیرشدگان سقز، مجبور شد احکام خود را پس بگیرد و دادگاه تجدیدنظر به «تبرئه» پنج نفر دستگیرشده سقز رای دهد. دو نفر از آنان نیز قبلاً «تبرئه» شده بودند. اکنون بار دیگر جمهوری اسلامی، قصد پرونده‌سازی مجدد علیه آنها را دارد. شکی نیست که این اقدام جمهوری اسلامی بر علیه فعالین جنبش کارگری، بار دیگر اعتراض گسترده داخل و خارج کشور را به دنبال خواهد داشت.

یورش نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به صف اعتراضات مردم تبریز را محکوم می‌کنیم!

بدنبال چاپ کاریکاتور توهین‌آمیز به مردم ترک زبان در روزنامه دولتی «ایران» دهها هزار نفر از مردم شهر تبریز در عصر روز دوشنبه اول خرداد ماه، در اعتراض به چاپ و نشر این تحقیر آشکار دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند.

این اعتراضات با دخالت و یورش نیروهای انتظامی و یگان ضد شورش تبریز به خشونت کشیده شد. نیروهای سرکوبگر رژیم، برای متفرق کردن تظاهرکنندگان در چند نقطه با آنان درگیر شده و اقدام به تیراندازی و پرتاب گاز اشک‌آور نمودند. در واکنش به وحشیگری نیروهای انتظامی رژیم، تظاهرکنندگان خشمگین چند خودرو وابسته به نیروهای انتظامی را به آتش کشیدند و شیشه‌های ساختمان چند بانک را در هم شکستند. در اثر تیراندازی نیروهای رژیم چند نفر از تظاهرکنندگان زخمی شدند. رژیم از وحشت گسترش این اعتراضات با سراسیمگی طراح کاریکاتور را بازداشت و روزنامه «ایران» را توقیف کرد.

چاپ کاریکاتور توهین‌آمیز در روزنامه دولتی «ایران» علیه مردم ترک زبان، گوشه‌ای از سیاست تبعیض‌آمیز شوونیستی جمهوری اسلامی علیه ملیت‌های تحت ستم ایران است که به شیوه‌های رسمی و یا عملی و در اشکال مختلف اعمال می‌شود.

ما ضمن پشتیبانی از مبارزه مردم مبارز تبریز، علیه هر شکلی از سیاست تبعیض‌آمیز رژیم جمهوری اسلامی، یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به صف تظاهرکنندگان را شدیداً محکوم می‌کنیم و در همان حال از مردم آزادیخواه و مبارز تبریز می‌خواهیم همان گونه که علیه توهین و تحقیر روزنامه دولتی «ایران» به پا خاستند، با هوشیاری خود نگذارند عوامل و جریان‌های ارتجاعی با بهره‌گیری از سیاست‌های تبعیض‌آمیز جمهوری اسلامی با برانگیختن و دامن زدن به تحریکات فرقه‌ای و قومی و سردادن شعار علیه مردم فارس زبان چهره اعتراض و مبارزه عادلانه آنان را آلوده و مخدوش کنند. رژیم جمهوری اسلامی، با سیاست ایجاد تفرقه و شکاف ملی و در مقابل هم قرار دادن مردم ستمدیده ایران می‌خواهد صف مبارزه برای سرنگونی رژیم را تضعیف کند، دامن زدن به نفرت ملی فقط می‌تواند در خدمت تداوم حاکمیت رژیم اسلامی قرار گیرد. این سیاست رژیم باید با مبارزه یک پارچه و متحدانه مردم ستمدیده ایران خنثی شود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران ۲ خرداد ۱۳۸۵

دفتر نمایندگی کومه‌له

K.K. P.O.Box75026
Box 750 26 Uppsala- Sweden
Fax: +46-18-46 84 93
Tel: +44 -7746163103

دوشنبه و جمعه
ساعت ۱۹ تا ۲۲ به وقت اروپا

komala@cpiran.org

دفتر نمایندگی کومه‌له

در سلیمانیه

Tel . 3124760 - 3125815

کمیته مرکزی کومه‌له

Tel. 0044-70-775 207 81

komalah@komalah.org

آدرس‌های حزب و کومه‌له

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 704 45

107 25 Stockholm - Sweden

Tel +46-08-86 80 54

E-mail: cpi@cpiran.org

کمیته خارج کشور حزب

K.KH.K Box 704 45

107 25 Stockholm - Sweden

E-mail: kkh@cpiran.org